

طبقه کارگر، سیاست امریکا، و پول

اطلاعیه اتحاد سوسیالیستی کارگری در مورد مقاله بهمن شفیق

در یکی دو هفته اخیر مقاله ای تحت عنوان "پول، سیاست، طبقه" از آقای بهمن شفیق (۱) در مورد جنبش کارگری ایران و مسأله گرفتن یا نگرفتن پول از نهادهای سیاست خارجی دولت امریکا، در سایت های اینترنتی درج شده است. مقاله آقای شفیق مستقیماً در نقد مقاله ای است در نشریه «به پیش!» در شهریورماه گذشته، از رفیق رضا مقدم (۲)، که در مورد تلاش سیاست خارجی امریکا برای شکل دادن به جریانی در جنبش کارگری ایران، از طریق کمک مالی نهادهای شناخته شده پیشبرد سیاست خارجی امریکا نظیر "مرکز امریکائی همبستگی" (۳)، هشدار می داد. آقای بهمن شفیق به همین هشدار ما در مورد «خطر فساد در جنبش کارگری» انتقاد دارد.

نقد طولانی آقای بهمن شفیق دو قسمت دارد. بخش اول مقاله به اصطلاح "تئوریک" است، و خلاصه بحثش این است که هواداری از خط سیاست امریکا پایه مادی ای در جنبش کارگری ایران ندارد. بخش دوم اما "تاریخی" است، و پیامش بطور فشرده این است که لنین هم با قطار قیصر به پترزبورگ بازگشت. به نکات آشفته ای که مقاله بهمن شفیق طرح می کند کاری نداریم؛ حتی به فرض صحت این مقدمات، واقعاً غرض از این صغری-کبرای "تئوریک-تاریخی" چه نتیجه گیری ای است؟ آیا منظور واقعاً این است که چون خط امریکا زمینه مادی ندارد، چون انقلابیون دیگری از دیگران پول گرفته اند، باید امروز فعالان کارگری ایران بروند از امریکا پول بگیرند؟! آیا این تبلیغ دلالت برای معامله کثیفی نیست؟ و اگر منظور همین است، چرا سی صفحه را با لکنت زبان سیاه می کنید؟ حرف تان را صریح بزنید. این پیش شرط ایفای نقش، حال هر نقشی، در عرصه مبارزه سیاسی است.

ما حامدانه چنین فرضی را با "اگر" و بشکل استفهامی طرح می کنیم، چرا که برای ما روشن است که آقای بهمن شفیق آماتور تر از آنست که برای دلالتی چنین امر خطیری از جانب کسی به خدمت گرفته شود. ایشان یا بدون منظور خاصی و از سر بیکاری دست به قلم برده است، یا دست بالا تنها می تواند عرضه کننده سرویس نگارشی به کسانی باشد که برای ما ناشناخته اند، ولی

اینقدر مسلم است که باید واجد شرایط لازم واسطگی در چنین معامله ای باشند. به هر رو، هیچیک از این شقوق در این واقعیت تغییری نمیدهد که مقاله بهمن شفیق در خدمت توجیه سیاست فساد آفرین دولت امریکا در جنبش کارگری ایران قرار دارد.

در یکی دو سال گذشته طیف پیوسته شبه اپوزیسیون اصلاح طلب و اپوزیسیون لیبرال در حال تجزیه به دو شاخه متمایز بوده اند: یکی آنها که هرچه بیشتر به جناح های مقتدرتر رژیم امید می بندند و هرچه بیشتر سیمای اصلاحگران اسلامی را به خود می گیرند، و دیگری آنها که در سیاست خارجی امریکا عامل فشاری در جهت اهداف شان جستجو می کنند و هرچه بیشتر صراحتاً به نئولیبرالیسم و نئوکنسرواتیسم می گروند. صاحبان هر دوی این خط مشی ها در صحنه سیاسی ایران شناخته شده اند، و هیچیک نیز هواداری از مشی مورد نظر خود را پنهان نمی کنند. هر دوی این شاخه ها، همچنان که کلیت لیبرالیسم ایرانی، در جنبش کارگری ایران انعکاس دارد؛ و ما مثل هر چپی در جنبش کارگری با هر دوی اینها مخالفیم، با هر دوی اینها مقابله می کنیم، و مشخصاً از تکرار این حرف خسته نخواهیم شد که پول گرفتن از امریکا، با یا بدون "پایه مادی"، جنبش کارگری ایران را فاسد می کند. کسی که در توجیه پول گرفتن اپوزیسیون از امریکا به زبان و ادبیات مارکسیستی متوسل می شود تنها ناآشنایی خود را با آرایش صحنه سیاست ایران اعلام نکرده است، بلکه همزمان آخرین مطلب شبه مارکسیستی اش را نوشته است.

کمپته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

۱۹ اسفند ۱۳۸۵
(۱۰ مارس ۲۰۰۷)

۱- بهمن شفیق، "پول، سیاست، طبقه"، بخش اول ۲۸ فوریه، بخش دوم ۲ مارس ۲۰۰۷، سایت افق روشن.

۲- رضا مقدم، "خطر فساد در جنبش کارگری ایران"، نشریه «به پیش!»، شماره ۱۶، ۲۹ شهریور ۱۳۸۵.

۳- American Solidarity Center (SC)